

Relationships of Shiite Groups in Oman with the Government and Other Muslims¹

Majid Beikzadeh Alishah²

Seyyed Abolhasan Navvab³

Mohammad Hassan Mohammadi Mozaffar⁴

(Received on: 2021-11-01; Accepted on: 2022-04-25)

Abstract

Shiites in Oman are not a homogeneous group; they include Baluch, Khojas, Bahraini, and Omani Arabs, each with distinct identities and perspectives. These differences have led to varying degrees of integration into their host communities. Efforts to bridge gaps between Omani Shiites and other denominations must first address internal obstacles within the Shiite community itself. Additionally, legal and structural constraints imposed by the government to limit new activities pose another challenge. Any efforts to organize Omani Shiites may also raise concerns with the Omani government, which maintains strong relations with the Islamic Republic of Iran. This article, using bibliographical research and interviews with a senior expert on Omani issues, explores the Shiite presence in Omani society, their interactions with the Ibadis (the majority in Oman who hold governmental power and share several commonalities with Shiites), and proposes that Omani Ibadis could serve as a viable bridge for cultural diplomacy between the Islamic Republic of Iran and Oman.

Keywords: Oman, Shia, Ibadism, Islamic denominations, relationships and interactions.

1. This article is derived from Majid Beikzadeh Alishah, "Examining Shiite Groups in Oman: Opportunities and Challenges in Expanding Relationships," PhD diss., University of Religions and Denominations, 2021.

2. PhD student, Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author). Email: rostami1212@chmail.ir

3. Associate Professor, Department of Jurisprudential Schools, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: abolhasannavab@urd.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: mmozafar@urd.ac.ir

مناسبات جریان‌های شیعی عمان با حکومت و سایر مسلمانان^۱

مجید بیگ‌زاده علی‌شاه^۲، سید ابوالحسن نواب^۳، محمد حسن محمدی مظفر^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵]

چکیده

شیعیان عمان کلیتی واحد نیستند؛ برخی بلوچ، برخی خوجه، برخی بحرینی و شماری نیز عرب عمانی هستند. در هر کدام از این گروه‌ها شخصیت، هویت و تفکر جمعی خاصی مشاهده می‌شود که همین امر سطوح متفاوتی از ادغام در جامعه میزبان را برای آنها رقم زده است؛ به این معنا که هرگونه تلاشی برای تقریب و نزدیک کردن مناسبات شیعیان عمان با دیگر مذاهب در گام اول مستلزم بر تمرکز خود شیعیان برای حذف مانع و چالش‌های موجود بین آنهاست. محدودیت‌های قانونی و ساختاری و استفاده حکومت از آنها برای مقابله با تحرکات و فعالیت‌های جدید، چالشی دیگر در این باره است. افزون بر آن هرگونه تلاش برای ساماندهی شیعیان عمان، ممکن است حساسیت حکومت عمان را برانگیزد که روابط حسنه‌ای با جمهوری اسلامی دارد. این پژوهش با استفاده از دوروش مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه با یکی از کارشناسان ارشد مسائل عمان، به بررسی بیشتر جوانب حضور شیعیان در جامعه عمان می‌پردازد و رابطه آنها را با اباضیه بررسی می‌کند که بیشتر جامعه عمان را تشکیل می‌دهند، نظام حکومتی عمان را در اختیار دارند و اشتراک‌های بسیاری نیز با شیعیان دارند. این نوشتار اباضیه عمان را گزینه مناسب تقریب و دارای قابلیت‌های لازم برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در نظر می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: عمان، شیعه، اباضیه، مذاهب اسلامی، جریان‌شناسی، مناسبات.

-
۱. این مقاله برگرفته از: مجید بیگ‌زاده علی‌شاه، «جریان‌شناسی شیعیان عمان؛ ظرفیت‌ها و موانع ارتقای مناسبات»، رساله دکتری، استاد راهنما: سید ابوالحسن نواب، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۰، است.
 ۲. دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) rostami1212@chmail.ir
 ۳. دانشیار گروه مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران abolhasannavab@urd.ac.ir
 ۴. استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران mmozafar@urd.ac.ir

مقدمه

این پژوهش، مطالعه ای جامعه شناختی است که می کوشد ضمن تمرکز بر موضوع شیعیان در عمان، جایگاه و نقش آنها را در پرتو مسئله تکثرگرایی اجتماعی در عمان بررسی کند و به توضیح رابطه شیعیان عمان بین خود و دیگر مذاهب اسلامی در جامعه این کشور بپردازد. طبیعی است پرداختن به این موضوع در وهله اول نیازمند معرفی شیعیان عمان و چگونگی پیدایش و رشد در چارچوب تاریخ سیاسی این کشور است. عمان جامعه ای چندزبانه است که زبان های عربی، سواحیلی، بلوچی، ماهری، شاهاری/ جبال، کومزاری، خوجکی و... زبان های زنده آن هستند؛ همچنین جامعه عمان، جامعه ای متکثر از نظر دینی است که اسلام، بهائیت و هندوئیسم پیروانی در عمان دارند. از نظر مذهبی یا فرقه ای نیز متکثر است؛ چراکه اباضیه ها، اهل سنت و شیعیان به قوت در عمان حضور دارند. کثرت گرایی قومی نیز ویژگی مشخص جامعه عمانی است که تبلور آن را می توان در حضور جمعیت عرب، زنگباری، بلوچ، لواتیه (لأوتی ها) یا خواجه ها، برده ها، عجمان و ایرانی تبارها در عمان یافت. افزون بر انواع و اقسام تکثرگرایی پیش گفته، کثرت گرایی ناحیه ای نیز مشهود است؛ برای مثال ویژگی های منحصر به فرد فرهنگی، ساکنان جنوب عمان را از ساکنان شمال، همچنین ساکنان نواحی مرکزی یا داخلی یا عمق عمان را از ساحل نشینان متمایز می کند. کافی است گروه یا مجموعه ای از افراد با وجود شیعه بودن، نژاد یا قومیتی بلوچی یا ایرانی تبار داشته باشند و به زبان سواحیلی یا زنگباری نیز سخن بگویند؛ همین سه ویژگی به تنهایی آنها را به طور کامل از دیگر شیعیان عمان متمایز می کند و عقیده آنها را در قومیت، نژاد یا زبان محصور نگه می دارد.

هرچند پرسش محوری پژوهش درباره شیعیان عمان است؛ اما خود تشیع در جایگاه یک عقیده بر مؤلفه های قومی، زبانی و نژادی و حتی جغرافیایی (شمالی یا جنوبی و ساحل نشین یا کوه نشین و صحرائ نشین) در عمان سوار شده است. همین امر ضمن آنکه بر

پیچیدگی پژوهش حاضر می‌افزاید، تحلیل‌کننده را در برابر ضرورت اجتناب‌ناپذیر بررسی تشیع در چارچوب جامعه متکثر عمان قرار می‌دهد و این همان روشی است که در این پژوهش از آن تبعیت کرده‌ایم.

در نگاهی مقایسه‌ای به موضوع باید گفت مطالعه تشیع در عمان همانند مطالعه تشیع در کشورهای چوچون لبنان یا شیعیان عراق و بحرین نیست که در جوامع آنها، شیعیان از نظر قومیت و زبان و در مواردی حتی از لحاظ جغرافیا تشکل یافته باشند؛ یعنی برای همگان تقریباً روشن است که شیعیان لبنان، بیشتر عرب و ساکن جنوب آن کشور هستند یا بیشتر شیعیان عراق عرب هستند و وجود کردهای شیعه فیلی یک استثنا در این مسئله دانسته می‌شود. از این مقایسه‌ها می‌توان فهمید که مطالعه مسئله‌ای اعتقادی در جامعه‌ای باتکثر قومی، دینی - مذهبی، زبانی، ناحیه‌ای با چه پیچیدگی‌ها و محدودیت‌هایی روبروست و چه روشی را می‌طلبد؛ برای مثال بخشی از جمعیت عمان بلوچ هستند که دو دسته ایرانی و پاکستانی دارند؛ ایرانی‌ها شیعه و غیرایرانی‌ها اهل سنت هستند. در چنین موردی، پدیده‌ای که هدف مطالعه قرار می‌گیرد، از نظر شخصیتی و هویتی هم به دلیل وابستگی قومی (بلوچ بودن) ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد و هم اصالت ایرانی یا پاکستانی افراد، ویژگی‌های دیگری را بر هویت و شخصیت آنها تحمیل می‌کند که موجب می‌شود شیوه تفکر و جهان‌بینی متفاوتی در برابر دیگران داشته باشند؛ اما در نهایت همه آنها عمانی نیز هستند و به ناچار باید در چارچوب فرهنگ و ساختار سیاسی - اجتماعی و اقتصادی عمان بررسی و مطالعه شوند.

ابتدا ضروری است جامعه عمان از نظر ویژگی‌های جمعیتی بررسی شود تا در گام دوم بتوانیم ضمن معرفی بخش‌های قومی - زبانی و مذهبی مختلف جامعه عمان، روابط شیعیان با هر کدام را بررسی کنیم.

۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی عمان

بر اساس آمار و اطلاعات، جمعیت سلطان‌نشین عمان در سال ۲۰۲۰ م، حدود چهار میلیون و ششصد هزار نفر بوده است. این تعداد دربردارنده حدود ۲٫۰۶ میلیون نفر خارج از کشور است که ۴۵٫۱ درصد از کل جمعیت عمان را شکل می‌دهد.^۱ مردان ۶۵٫۴٪ از کل جمعیت و بانوان ۳۴٫۶٪ جمعیت هستند. این تفاوت بزرگ در میزان جنسیت به نفع مردان در جامعه عمان به این دلیل است که بیشتر جمعیت غیرعمانی، مردان کارگر مهاجر هستند که از هند، پاکستان، بنگلادش، ایران، سریلانکا، فیلیپین، مصر و اردن بدون خانواده‌هایشان به این کشور سفر کرده‌اند. اعراب بیشتر جامعه عمان را شکل می‌دهند. با وجود اینکه آمار دقیقی در دسترس نیست، در بیشتر آمارها فرض بر این است که این شمار بیشتر در حدود ۶۵٪ از جمعیت عمان، از جمله شهروندان بومی و غیربومی را دربرمی‌گیرد. همچنین بین خود جمعیت عرب عمان نیز اختلاف‌های قومی مشهود است و تقسیم‌هایی مانند اعراب ساحلی، عرب‌های کوهستانی (الجبلیین) (ساکنان کوه) یا اعراب استان ظفار وجود دارد که به احتمال زیاد کوه‌نشین‌ها، قبایلی هستند که از ارتفاعات یمن به عمان مهاجرت کرده‌اند.

بیشتر جمعیت «نواحی داخلی عمان»^۲ که توسط کوه‌های الحجر از ساحل جدا شده است، اباضی‌ها و عرب‌ها هستند. در مقابل، شهرها و روستاهای ساحلی در الباطنه تحت سلطه آمیزه‌ای از زبان‌ها و قومیت‌ها قرار دارند؛ از اعراب (اباضی و سنی) گرفته تا بلوچ‌های سنی پاکستانی، ایرانی تبارها و نیز بلوچ‌ها یا بندری‌ها (بیشتر شیعه) و لواتیه‌ها یا لاثوتی‌ها (شیعیان).

بیشتر جمعیت همان‌طور که انتظار می‌رود، مسلمانان اباضی^۳ هستند؛ البته آمار دقیق در این باره موجود نیست. طبق «دائرةالمعارف آکسفورد جهان اسلام» جمعیت اباضیه

بین ۴۰ الی ۴۵ درصد تخمین زده می‌شود. در کنار پیروان مذاهب اسلامی اباضیه، تسنن و شیعیان، اقلیت‌های هندوی هندی تبار، مسیحیان و بودایی نیز وجود دارند که «دین‌های خارجی» به شمار می‌روند.^۴

۱-۱. دلایل تکثر قومی، دینی - مذهبی و زبانی در جامعه عمان

* **مرزهای باز:** مرزهای ساحلی عمان و ارتباط‌های تاریخی آن از جنوب با شرق آفریقا و از شمال و شمال غرب با بلوچستان پاکستان تا بندرعباس و بحرین به گونه‌ای است که بسیاری از عمانی‌هایی که به شرق آفریقا مهاجرت کرده بودند، بازگشتند و با خود فرهنگ و آداب رسوم آفریقا را منتقل کردند.^۵

* **تاریخ صدر اسلام عمان:** آشنایی و پذیرش دعوت حضرت رسول (ص) از اهالی عمان برای پیوستن به اسلام موجب شد تا مردم عمان از جوامعی باشند که اسلام را داوطلبانه پذیرفتند (طبری، [بی‌تا]: ص ۳۱۳). اما مهم‌ترین رویداد، موضوع حکمیت در جریان جنگ صفین بود؛ چراکه عقاید خوارج، هسته اصلی عقیده اباضیه را شکل داد که بعدها به عمان وارد شد و به بلوغ رسید (نک: بارونی، ۱۳۵۷: ص ۳۲).

* **مهاجرت عمانی‌ها به جنوب (شرق آفریقا) و شمال شرق (هند و پاکستان و ایران):** با وجود اینکه سرزمین عمان در طول تاریخ به دلایل مختلف، مقصد مهاجران از مناطق همجوار بوده است، عمانی‌ها خود نیز به دلایل نزاع‌های داخلی یا تجارت، منشأ و وسیله صدور اسلام و ارزش و فرهنگ و مذهب اباضیه به دیگر نواحی بوده‌اند؛ برای مثال ابو عبیده الصغیر القاسم بن محمد عمانی (متوفی ۱۵۰ ق) از شخصیت‌های مشهور عمانی است که به چین رفت و نقش عمده‌ای در گسترش اسلام در چین داشت (مرجونه و شادی، [بی‌تا]: ص ۳۴). همچنین دو پسر الجندی که در قرن دوم هجری بر عمان حکومت

کردند، به اجبار پس از نبردهای خونین با دولت اموی به شرق آفریقا گریختند و سبب صدور اباضیه به شرق آفریقا شدند (ابن کثیر، [بی تا]: ص ۶۲ - ۶۳).

* **هجوم افکار وهابی: تهاجم افکار وهابی که در تاریخ عمان به «الغزو الوهابی» معروف است (ر.ک: الطایبی، ۱۳۸۴)، موجب شد مذهب وهابی و سلفی در مناطق هم جوار با عربستان سعودی^۶ نفوذ کند؛ از این رو اقلیت های متعدد نژادی، مذهبی، قومی و فرقه ای در سرتاسر عمان از شمال شرق (سواحل دریایی) تا مرکز و جنوب عمان توزیع و پراکنده شدند (ر.ک: الطایبی، ۱۳۸۴).**

* **کمک گرفتن حاکمان و گروه های عمانی در نزاع های خود از دیگران: نزاع قرون اخیر میان خاندان آل سعید و نظام امامت اباضی و یارگیری دو طرف نزاع از دیگر کشورها، موجب شد تا دیگر اقوام در عمان جای پای محکمی در ساختار قدرت بیابند؛ برای مثال سلطان سعید بن سلطان (متوفی در ۱۲۷۳ ق) از بلوچ ها برای تشکیل قوای نظامی خود کمک گرفت و همین امر موجب شد بسیاری از ارتشیان دولت آل سعید تا سال ۱۹۷۰ م، یعنی اواخر دوره سلطان سعید بن تیمور پدر سلطان قابوس، از بلوچ ها باشند (النخلی العمانی، ۲۰۱۶: ص ۴۰۰ - ۴۰۱). همچنین سلطان قابوس برای سرکوب چپ گرایان ظفار، از ایران دوره پهلوی کمک گرفت و اعزام و ابقای نظامیان ارتش ایران به عمان موجب شد تا به امروز هرچند به صورت انگشت شمار در عمان مشاهده شوند (چمنکار، ۱۳۸۳: ص ۱۱۸).**

* **توسعه اقتصادی عمان و توجه به نیروی کار خارجی: کارگران مهاجر هم مؤلفه ای تأثیرگذار در جامعه عمان هستند که نباید در مطالعه جامعه شناختی عمان نادیده گرفته شوند؛ زیرا دومین گروه بزرگ جمعیتی در عمان - نزدیک به دو میلیون نفر - را شکل می دهند و کسانی هستند که تابعیت عمانی ندارند. بیشتر این گروه، کارگران مهاجر هستند که برای مدت معینی اجازه کار و اقامت می گیرند و پس از یک دوره مشخص - معمولاً یک سال - اقامت آنها تمدید می شود.^۷**

۲. بررسی تشیع در چارچوب مسائل هویتی و جامعه‌شناختی اقوام عمانی

سید شرف‌الموسوی در مقاله‌ای بیان می‌کند که شیعیان برای مدت طولانی در عمان بوده‌اند و برخی منابع از حضور شیعیان در عمان به موازات گسترش آن در عراق و شبه جزیره عربستان حکایت می‌کنند؛ اما پس از واقعه‌ای که بین آنها و خوارج رخ داد، به جز شماری معدود، دیگران از عمان به دیگر نقاط از جمله عراق مهاجرت کردند و در طول تاریخ، تشیع دوباره توسط اقوام و گروه‌های دیگری به عمان وارد شده است (الموسوی، ۱۴۱۶: ص ۴۴۹ - ۴۵۴). در کتاب تاریخ شیعه نیز آمده است تشیع چیزی جدای از کلیت اسلام نبود که باید آن را جداگانه بررسی کرد و هرجا اسلام وارد شد، درواقع تشیع نیز در آن جامعه ورود کرده و نضج یافته است. او به خودداری مردم عمان از پرداخت زکات به خلیفه اول در جایگاه شاهد و دلیلی بر شیعه بودن عمانی‌ها تأکید دارد (مظفر، ۱۴۰۸: ص ۲۸۶).

اما مسئله اینجاست که تاریخ عمان را کسانی نوشتند که مسئله مهم برای آنها، تاریخ طوایف و قبایل و تاریخ قدرت بوده است و نه مسئله تشیع؛ از این رو به طور طبیعی تشیع در این نادیده گرفته شده است. درواقع، آنچه با عنوان متون تاریخی موجود بود، تاریخ ظهور، اوج‌گیری و افول قدرت بوده است؛ چه این قدرت در دست قبیله باشد یا قوم یا یک فرقه یا مذهب اسلامی به‌ویژه مانند امامت اباضی.

رویکرد رسمی نظام حکومتی عمان نیز پرهیز از هرگونه تمرکز و محوریت بخشیدن به مذهب و پیروان آن است و فرقی در این باره میان مذهب اباضی، تسنن یا تشیع قائل نیست. این رویکرد به‌ویژه پس از پیروزی سلطان قابوس و خاندان آل سعید بر طرفداران ائمه اباضی پررنگ شد؛ زیرا آنها مذهب را در جایگاه یک مرام سیاسی متبلور در «نظام امامت اباضی»^۸ به حاشیه راندند و به یک مرام اجتماعی و جماعت محدود کردند. همین

امر موجب شد در متون رسمی نظام حاکم عمان اشاره‌ای به تاریخ مذاهب به‌ویژه تشیع در عمان نشود و هیچ‌گاه آماری حتی شبه‌رسمی از نفوس و جمعیت شیعیان این کشور جمع‌آوری و ارائه نشده است.^۹

با توجه به مطالب گذشته مبنی بر اینکه جامعه عمان یک‌دست نبود در ادامه مذهب شیعی را در چارچوب هویت متکثر بررسی می‌کنیم.

۱-۲. بلوچ‌های عمان: اصالت هویت قومی یا هویت مذهبی؟

بلوچ‌ها یکی از بزرگ‌ترین اقلیت یا اقوام عمانی در نظر گرفته می‌شوند که توانسته‌اند در داخل ساختار سیاسی - اجتماعی عمان به خوبی رسوخ کنند. بلوچ‌ها از نظر خاستگاه دو دسته‌اند: بلوچ‌های ایرانی و بلوچ‌های پاکستانی. در بررسی‌ها، بیشتر ایرانی‌تبارها که منظور از آنها اقوام بندری ایران که از سواحل مکران تالار، رودون، راوند، بوشهر و بندرعباس به عمان مهاجرت کردند، در کنار بلوچ‌های ایرانی‌تبار یک کلیت فرض شوند.^{۱۰}

ایرانی‌تباران در مسقط پایتخت عمان در المطرح و حومه آن، همچنین در الباطنه و مسندم و در شهر ساحلی الصور حضور دارند. بسیاری از منابع تاریخی در مورد روابط خوب، حسن همجواری و دوستی بین ائمه، پادشاهان عمان و حاکمان ایران مطالبی را نقل کرده‌اند. همین امر موجب شده است ایرانی‌تباران یا به واسطه روابط تجاری، نظامی و سیاسی یا با لشکرکشی‌های نظامی وارد عمان شوند یا کالا را بین بنادر عمان و ایران جابجا می‌کردند و وقتی شرایط را برای زندگی در عمان مناسب دیدند، در آنجا اقامت کردند. نویسنده کتاب الفتح المبين في سيرة السادة البوسعيديين بیان می‌کند سید سعید - سلطان عمان - پدر بزرگ سلطان قابوس هر زمان نیاز به کمک نظامی پیدا می‌کرد، هیئتی متشکل از پسرش سالم بن السید سعید، یکی از قضات به نام ناصر بن سلیمان العداوی به همراه سیدی

ایرانی تبار از سادات موسوی ساکن مسقط به نام سید موسی را به دربار ایران می‌فرستاد و این هیئت با چهار هزار مرد جنگی پاسخ داده می‌شد که بیشتر آنها در عمان می‌ماندند، ازدواج می‌کردند و ساکن می‌شدند یا در دربار، ارتش و مناصب مهم عمان به کار گماشته می‌شدند (النخلی العمانی، ۲۰۱۶: ص ۴۵۴ - ۴۵۷). آنها شیعیان ایرانی تبار هستند که تا کنون در مسقط و الباطنه حضور دارند و صاحب مساجد، حسینیه‌ها و اوقاف و مؤسسات خیریه خود هستند و از اعیان عمان به شمار می‌آیند.

۲-۱-۱. مناسبات بلوچ‌ها با دیگر عمانی‌ها

بلوچ‌ها طی مراحل مختلف تاریخی توانستند به ساختار اجتماعی عمان رسوخ کنند و خود را در جامعه این کشور ادغام نمایند. به یقین بلوچ‌ها دست‌کم طی پنج قرن توانستند روز به روز حضور و نفوذ خود را در عمان گسترش دهند و با عمانی‌ها در سطوح سیاسی و اجتماعی ادغام شوند. در طول تاریخ سیاسی عمان، یکی از وفادارترین اقوام و قبایل عمانی به دولت آل سعید، بلوچ‌ها بوده‌اند؛ به همین دلیل در دوران معاصر نیز بلوچ‌ها نزدیک به نظام سیاسی کنونی عمان دانسته می‌شوند (سرافرازی، ۱۳۹۰: ص ۴۹ - ۷۴). آنها با وجود مقاومت جامعه نواحی مرکزی یا داخلی عمان، توانستند با مؤلفه‌های جامعه عمانی پیوند بخورند؛ شماری از آنها مانند قاضی ابوعبیده عبدالله بن محمد البلوشی (م ۱۹۹۸ م) موفق شدند نزد ائمه اباضی مانند امام محمد بن عبدالله الخلیلی، به مقام قضاوت نیز دست یابند.

نکته مهم در ارتباط با بلوچ‌ها، پررنگ بودن و محوریت داشتن بُعد قومی هویت و شخصیت آنهاست و خود را از "دیگری" نه بر اساس وابستگی مذهبی، بلکه بر اساس بلوچ از غیر بلوچ متمایز می‌کنند. برای آنها "دیگری"، غیر بلوچ است، فرقی نمی‌کند که این دیگری هم مذهب آنها باشد یا خیر. به همین دلیل گرایش‌ها و تفکرات سیاسی - اجتماعی بلوچ‌های عمان

کمتر از اختلاف‌های دینی و مذهبی تأثیر گرفته است و این اختلاف‌ها برای آنها اهمیت چندانی ندارد؛ به گونه‌ای که بلوچ‌ها، تواتمندترین قوم یا اقلیت در ادغام با عمانی‌های اباضی هستند، در مساجد آنها نماز می‌خوانند، اذان می‌گویند و در مقابل نیز اباضیه‌ها با تساهل با آنها تعامل می‌کنند؛ به گونه‌ای که می‌توانند با آزادی نسبی، مناسک مذهبی خود را به جای آورند (ر.ک: عرب احمدی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۹ - ۱۲۸). بلوچ‌ها در عرصه اجتماعی با تبعیض اجتماعی بسیاری مواجه شده‌اند؛ به گونه‌ای که ازدواج آنها از قبایل عرب نواحی مرکزی عمان امری دشوار تلقی می‌شود که مهم‌ترین دلیل آن، عرب نبودن آنهاست. جامعه عرب عمانی، بلوچ‌ها را با وجود پذیرش، در نهایت عجم در نظر می‌گیرد و این ذهنیت تا به امروز به قوت خود باقی است.

بلوچ‌ها را باید از نظر مناطق جغرافیایی که در عمان یافت می‌شوند نیز بررسی کرد. بلوچ‌هایی که توانستند به نواحی مرکزی عمان نفوذ کنند، بیشتر با قبایل داخلی عمانی ادغام شدند و بسیاری از آنها از نیمه دوم قرن نوزدهم زبان بلوچی را کنار گذاشتند و به زبان عربی صحبت می‌کنند. آنها همچنین اجتماع‌ها و محله‌های کوچک خود را در مناطق حضور خود ایجاد کردند که این اجتماع‌ها نیمه عرب هستند. اما زبان عربی بلوچ‌های ساکن در سواحل عمانی همچنان مانع اصلی توانایی آنها برای ادغام است و برای نسل نیمه دوم قرن بیستم یادگیری زبان عربی و جدا شدن از زبان مادری دشوار بوده است.

این پارادوکس یا تناقض که عمانی‌ها، بلوچ‌ها را از نظر مذهبی پذیرفتند، اما از نظر اجتماعی قائل به تمایز آنها بود، شواهدی برای فهم عمیق و تفکر جمعی عمانی‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد به اینکه نگاه به دیگران از دریچه مذهب در جامعه اباضی عمان اهمیت چندانی ندارد؛ در حالی که قومیت یا نژاد به عنوان یک حصار اجتماعی، حلقه بسته‌ای را شکل می‌دهد که کلید ورود به آن حلقه فقط در اختیار هم قومی‌ها یا هم نژادی‌هاست.^{۱۱}

۲-۲. لواتیه‌ها یا لائوتی‌ها؛ شیعیان هندی تبار عمان یا عمانی‌های معاود از هند

برخی از مورخان، لواتیه‌ها را دارای ریشه و اصل عرب عمانی و منتسب به خاندان «بنی‌اسامه بن لوعی» می‌دانند (الخابوری، ۲۰۰۱: ص ۴۷) که به هند مهاجرت کرد و سپس نسل‌های بعدی آنها به عمان بازگشتند؛ درحالی‌که برخی از مورخان ضمن یادکردن از لواتیه‌ها در نوشته‌های خود، آنها را «حیدرآبادی‌ها» با اشاره به محلی که از آن آمده‌اند، معرفی کرده‌اند. همان‌گونه که موطن بلوچ را بلوچستان ذکر می‌کنند، لواتیه‌ها را نیز اهل حیدرآباد هند معرفی کرده‌اند. تا سالیان نه‌چندان دور، این نام‌گذاری بیش از دیگر نام‌ها برای متمایزکردن این گروه قومی - دینی عمانی استفاده می‌شد (عرب، ۱۳۷۷: ص ۷۴ - ۷۵). برخی نیز آنها را همان خواجه‌ها می‌دانند. لائوتی‌ها در سبک زندگی، جهان‌بینی و شیوه تفکر مانند بلوچ‌ها نیستند؛ به همین دلیل نزدیک به پنج قرن در عمان به صورت منزوی از دیگر اقوام و قبایل عمانی زندگی کرده‌اند. آنها در منطقه کوچکی در شهر المطرح معروف به «قلعه لائوتی‌ها» یا «سور اللواتیه» با کمترین ارتباط با جامعه عمانی با فرهنگ و مدارس خاص، عالمان مذهبی خاص و مساجد و حسینیه‌های خاص خود زندگی می‌کنند.

۲-۲-۱. مناسبات لائوتی‌های شیعه با دیگر اقوام و مذاهب

به طور طبیعی لائوتی‌ها با دشواری بالایی در زمینه ادغام در جامعه عمان روبرو شده‌اند و از ادغام در دیگر گروه‌های قومی مانند بلوچ‌ها نیز اجتناب کرده‌اند؛ اگرچه در کنارشان زندگی و کار می‌کنند. درحالی‌که پیروان اباضیه و اهل سنت عمان به سادگی از نظر مذهبی در یکدیگر ادغام شده‌اند، ادغام لائوتی‌ها که کاملاً شیعه هستند با اباضیه‌های عمان با چالش و دشواری‌ها و موانعی همراه بوده است؛ به همین دلیل نه لائوتی‌های شیعه به کثرت

در مساجد اهل سنت و اباضیه های عمان مشاهده می شوند و نه اهل سنت و اباضیه ها در مساجد آنها حضور می یابند، به ویژه اینکه مساجد و حسینیه های آنها در منطقه قلعه یا سور محصور هستند. این موضوع، عنصر مهمی در محدود نگه داشتن مذهب آنهاست. محدودیت زبانی یکی دیگر از محدودیت های پیش روی آنها در برقراری مناسبات با دیگر اقوام بوده است. آنها به زبان لائوتی سخن می گویند که برگرفته از نام این گروه است. نام دیگر این زبان، «خوجکی» است که اشاره به نام قدیم این گروه در سند یعنی خواجه دارد. خواجه ها در شیراز نیز حضور داشته اند و برخی معتقدند لائوتی ها همان خواجه ها هستند و از ایران به این کشور مهاجرت و از آنجا به زنگبار رفته و در حال حاضر نیز در زنگبار حضوری مطرح از نظر اقتصادی و سیاسی دارند.

بسته بودن جامعه لائوتی ها به اندازه ای است که قلعه لواتیه تا سال ها توسط افرادی نگهبانی و حراست می شد و به جز مهمانان ویژه، غیر از منتسبان به این جماعت، کسی نمی توانست وارد آن شود. در این مسئله نیز میان آن لائوتی های شیعه ای که در سواحل الباطنه از منطقه بركاء تا صحار سکونت کردند و آنها که در المطرح اقامت گزیدند باید قائل به تمایز بود؛ زیرا لائوتی های ساحل نشین الباطنه توانسته اند سطحی از ادغام را در اقوام و قبایل دیگر تحقق بخشند و از نیمه دوم قرن بیستم شمار کمی از آنها می توانند به زبان لواتیه صحبت کنند؛ بنابراین آشنایی آنها به زبان عربی کمک بسیاری در ادغام با واحدهای اجتماعی عمان کرد.

از نظر فرهنگی، اشتراک های بسیاری بین عمانیان عرب نواحی مرکزی بالائوتی ها وجود ندارد؛ زیرا فرهنگ مذهبی، زبانی و مکانی هر دو ناهمگن و متفاوت است؛ اگرچه این موضوع محدود به لائوتی ها نیست و دیگر واحدهای ساختار اجتماعی عمان نیز به گونه ای با آن درگیر بودند.

دیگر محدودیت مناسبات لائوتی‌های شیعه، تمایل نداشتن خود به ادغام در جامعه بود؛ زیرا از نظر اقتصادی نیز برای این امر، مشوق و محرکی احساس نمی‌کردند و هیچ‌گاه برای امرار معاش و درآمد، نیازمند عمانی‌ها نبودند. آنها در جایگاه تاجر به مسقط وارد شدند و چه بسا از طبقات بالای اجتماعی یا همان ملتان هند بودند. آنان این موقعیت را در عمان نیز حفظ کردند؛ به گونه‌ای که وقتی امام احمد بن سعید - مؤسس دولت آل سعید - در قرن هجدهم وارد مسقط می‌شد پس از دیدار با قبیله بنی حسن از قبایل سرشناس عرب مسقط، با لائوتی‌ها دیدار می‌کرد و در پایان به دیدار عامه مردم می‌رفت (النخلی العمانی، ۲۰۱۶: ص ۲۵۳)؛ این موضوع برخورداری از همان موقعیت را اثبات می‌کند.

نکته مهم آن است که تاریخ عمان هیچ‌گونه تجاوز یا تعرض به لائوتی‌ها از سوی دیگر قبایل و اقوام و حتی نظام امامت اباضی عمانی را شاهد نبوده است (ر.ک: عرب، ۱۳۷۷: ۷۴ - ۷۵)؛ با این وجود پیش‌بینی می‌شود انزوای کنونی و تاریخی آنها در دو دهه آینده دست‌کم همچنان به قوت باقی بماند و میزان ادغام آنان در ساختار سیاسی و اجتماعی عمان به سطح و درجه تقارب سیاسی دو مذهب اباضی و شیعه وابسته باشد. در وهله دوم، میزان خطرپذیری لائوتی‌ها نقش مهمی در این باره ایفا خواهند کرد؛ چراکه ازدواج و ادغام در جوامع دیگر، درآمدهای اقتصادی که طی چند قرن تحقق بخشیدند را با خطر مواجه می‌کنند؛ از این رو همین منافع سرشار تجاری و اقتصادی همچنان مانعی مهم پیش روی آنها باقی خواهد ماند (ر.ک: عرب، ۱۳۷۷: ص ۷۴ - ۷۵).

۲-۳. بحرینی‌تبارهای عمان: شیعیان با هویت عرب عمان

بحرینی‌ها دیگر شیعیان عمان هستند. شماری از آنها پیش از استقلال بحرین، برخی از عراق و همچنین شماری از دیگر مناطق شبه جزیره به عمان مهاجرت کردند، اما همگی اصالتی بحرینی دارند. آنها شیعه جعفری هستند و تأثیر اقتصادی بزرگی در اقتصاد عمان دارند.

اولین اشاره به وجود شیعیان بحرینی در عمان مربوط به کتاب سیره الساده البوسعیدیین است که نویسنده می‌گوید: «امام سلطان بن احمد بن سعید به بحرین حمله و بحرین را فتح کرد و پسرش "سالم بن سلطان" را بر آن گماشت؛ اما سن کم نامبرده موجب شد تا وی "شیخ محمد بن خلف البحرانی" شیعه را در عمل مأمور اداره بحرین کند. با وجود شیخ محمد، حاشیه امنی برای دیگر شیعیان بحرینی عمان ایجاد شد (النخلی العمانی، ۲۰۱۶: ص ۲۹۶). اهمیت شیعیان بحرینی عمان به گونه‌ای بود که اولین سفیر عمان در آمریکا از این گروه انتخاب گردید. نام وی شیخ احمد بن نعمان بن محسن الکعبی بود که بازرگانی زبردست و به زبان انگلیسی تسلط کامل داشت؛ همچنین میراث سلطان سید سعید را میان ورثه‌اش تقسیم کرد. الکعبی در نهایت نیز زندگی در «مالندی» در آفریقا را برگزید که آن زمان بخشی از عمان بود. او در سال ۱۸۶۱ میلادی ماتم خانه‌ای (حسینی) را در آنجا احداث کرد و به تدریج تبدیل به رهبر قبایل شیعه در شرق آفریقا شد (فارسی، [بی‌تا]: ص ۶۶ - ۶۷). یکی از چهره‌های شناخته‌شده شیعه بحرینی عمان که در تاریخ دریانوردی در خلیج فارس نقش دارد، ناخدا و دریانورد مشهور شهاب الدین احمد بن ماجد است؛ او از پیشگامان علم دریانوردی در منطقه است و کتاب‌هایی درباره‌ی چگونگی شناخت مسیرهای دریانوردی در خلیج فارس و تهیه نقشه مسیرها نگاشته است (Medieval Science, 2005, p252). از جمله عالمان شیعیان بحرینی در عمان، ابن ابی عقیل عمانی (جعفریان، ۱۳۸۹: ص ۴۵۷) و از عالمان متأخر حجت الاسلام شیخ علی بن عبدالله الستری را می‌توان نام برد که به عمان مهاجرت کرد، در آنجا تشکیل خانواده داد و به تبلیغ تشیع پرداخت؛ از آثار او می‌توان به منار الهدی، لسان الصدق، قامعه الباطل و المسائل المسقطیه اشاره کرد. همچنین می‌توان به عالمانی چون شیخ احمد بن سرحان العصفور صاحب کتاب مناسک الحج، سید اسماعیل الحمیری شاعر و صعصعه بن صوحان العبدی و زید بن صعصعه العبدی اشاره کرد.

۲-۳-۱. مناسبات شیعیان بحرینی عمان با دیگر اقوام و مذاهب

دو بعد عربیت و تشیع به موازات یکدیگر، مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده هویت و شخصیت شیعیان بحرینی عمان هستند. آنان در برقراری مناسبات بیش از همه از بعد قومی شخصیتی خود بهره گرفته‌اند؛ یعنی متکی بر هویت عرب خود مناسبات خود با عرب‌های اباضی را شکل بخشیده و گسترش داده‌اند. همین امر موجب شده است هویت شیعی و اصالت بحرینی برای تعیین و تکوین مناسبات میان خود و تشکیل حلقه شبه بسته آنها عمل کند.

۳. اوضاع شیعیان در جامعه کنونی عمان

شیعیان امروزه از نیروهای تأثیرگذار جامعه و ساختار سیاسی - اجتماعی عمان هستند و شماری از آنها به مناصب و موقعیت‌های بالایی در ساختار سیاسی - اداری دست یافته‌اند. اگرچه قوانین آزادی‌های مذهبی اجازه تأکید بر بعد مذهبی شخصیت خود در جایگاه صاحب منصب را به آنها نمی‌دهد که بتوان با جستجو در منابع اینترنتی بیشتر این افراد را استخراج یا شناسایی کرد، گواه ناظران میدانی این ادعا را تأیید می‌کند. شیعیان عمان امروزه در مسقط، مطرح، الخوض، برکاء و المصنعه، السویق، الخابوره، صحم و صحار، لوی و مسندم و در بیش از بیست روستای در نوار ساحلی به طول چهارصد کیلومتر پراکنده هستند. برخی از منابع تعداد مساجد آنها را ۳۱ و ۵۹ حسینی‌ه بیان کرده‌اند.

از نظر اقتصادی آنها همچنان در نوک هرم اقتصاد عمان قرار دارند و شماری از آنها صاحب طرح‌ها و واحدهای تولیدی صنعتی، شرکت‌ها و کسب‌وکارهای انفرادی هستند از نظر سطح فرهنگ و فرهیختگی، شیعیان به‌ویژه شیعیان ایرانی تبار و بحرینی عمان از خانواده‌های فرهیخته عمان به شمار می‌آیند (یگانه، ۱۳۷۴: ص ۱۲).

۳-۱. جریان سازی، تشکل و فعالیت تشکیلاتی شیعیان عمان

جد از تشکل هایی مانند صندوق های قرض الحسنه، اوقاف، مؤسسات خیریه کمک کننده به ایتم و خانواده های بی سرپرست و حسینیه ها، مهم ترین جریان سازی شیعیان عمان در تاریخ معاصر مربوط به شکل گیری مکتب شیرازی و حرکت شیخ حسن الصفار بوده است. پیروان اندیشه های آیت الله محمد مهدی شیرازی در عمان اغلب از لائوتی ها بودند، اگرچه از دیگر شیعیان مانند شیعیان بحرینی و ایرانی تبارها نیز افرادی به آنها پیوستند. اصل محوری که به تبعیت از تفکرات شیرازی مورد توجه آنها قرار گرفت، اصل شورا بود. شاگرد آیت الله شیرازی که اندیشه های او را به عمان منتقل کرد، شیخ حسن الصفار بود.^{۱۲} از سال ۱۳۵۲ تا آستانه انقلاب اسلامی در ایران، شیخ الصفار از طریق استقرار در عمان، نقش مهمی در آموزش نسلی از شیعیان عمانی طبق اصول مورد اشاره سید الشیرازی داشت. او به همین منظور، شبکه «التیار» متشکل از چند مؤسسه و تشکل را ایجاد کرد که در آن زمان ایده های پیشرفته یا مترقیانه ای در سطح جامعه عمان دانسته می شدند. از جمله مؤسسات ذیل شبکه التیار، کتابخانه عمومی حضرت رسول (ص) در المطرح بود که چتر اصلی همه فعالیت های این گروه را شکل می داد. این کتابخانه همچنین ماهنامه ای به نام «الوعی» (بیداری) را منتشر می کرد که در بردارنده ایده ها و دیدگاه هایی بود که به نظر هیئت تحریریه ترویج آنها در جامعه شیعه اطراف المطرح از جمله پایتخت عمان، یعنی مسقط مناسب فرض می شدند (الطائی، ۲۰۱۰: ص ۲۳۱).

اندک اطلاعاتی برجای مانده از آن دوره نشان می دهد به دلیل محدودیت هایی که برای این تشکل ایجاد شد، شیخ الصفار عمان را به مقصد ایران ترک کرد؛ اما جوانان وابسته به التیار با وجود محدودیت هایی که بر تشکیلات آنها وضع شده بود، فعالیت بدون چارچوب سازمانی را ادامه دادند و تا مدت ها مطالبه آنها، رفع محدودیت اعمال شده در زمینه فعالیت شان بود (الهاشمی، ۲۰۱۳).

۳-۲. موانع قانونی فعالیت شیعیان

در کتاب سفید یا «قانون اساسی سلطنت عمان» که در نوامبر ۱۹۹۶م منتشر شد، اسلام دین رسمی و شرع اسلامی مبنای قانون‌گذاری معرفی شده است. کتاب سفید آزادی عمل به مناسک مذهبی «مطابق با سنت‌های شناخته‌شده» را تضمین می‌کند. قانون آزادی‌های مذهبی، حق افراد در زمینه انجام آداب و رسوم مذهبی خود مطابق با ارزش‌ها، آداب و رسوم خود را محترم می‌شمارد و تبعیض نژادی بر اساس جنسیت، مذهب، رنگ، زبان، مذهب، فرقه و محل زندگی یا موقعیت اجتماعی را نیز مجاز نمی‌داند (موقع فنک، ۲۰۱۰).

همه مؤسسات مذهبی باید در وزارت اوقاف و امور دینی ثبت شوند. اطلاعات و آمار وابستگی مذهبی افراد قابلیت انتشار ندارند و دولت، غیرمسلمانان را از تبلیغ ادیان خود منع می‌کند. قانون اساسی به طور خاص چنین فعالیت‌هایی را منع نمی‌کند، بلکه از مقررات مهاجرت و قوانین آن برای ممانعت از این کار استفاده می‌شود.^{۱۳}

قانون مجازات کشور عمان، برای هر کسی که به خداوند یا پیامبران یا به مذاهب بی‌احترامی و توهین کند چه در گفتار و چه در نوشتار، مجازات دست‌کم سه سال زندان را پیش‌بینی کرده است.^{۱۴} احوال شخصی و قانون خانواده بر اساس اصول قانون اسلامی است و در دادگاه‌های مدنی، شرع اسلام اساس تصمیم‌گیری است.^{۱۵} غیرمسلمانان از مقررات قانون اسلامی معاف هستند. آنها مجاز به اجرای احکام شرعی خود در مورد مسائل خانوادگی و شخصی هستند. شیعیان می‌توانند مسائل خانوادگی و شخصی را طبق فقه شیعه در خارج از دادگاه‌ها حل و فصل کنند؛ اما در صورت عدم توافق، حق انتقال پرونده‌های خود به دادگاه مدنی برای آنها محفوظ می‌ماند.^{۱۶}

جمع‌بندی

۱. شیعیان عمان کلیتی واحد نیستند: برخی بلوچ، برخی حیدرآبادی یا خواجه، برخی بحرینی و شماری نیز عرب عمانی هستند. در هر کدام از این گروه‌ها شخصیت، هویت و تفکر جمعی خاصی مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که بلوچ‌های شیعه عمان، اول بلوچ هستند و بعد شیعه؛ لائوتی‌ها یا حیدرآبادی‌ها یا خواجه‌ها، جامعه کاملاً بسته‌ای دارند و در شیعیان بحرینی عمان دو بعد قومی و مذهبی هویت به موازات هم رشد کرده است. آنها در تعریف مناسبات خود بیشتر از بعد قومی هویت خود کمک گرفته‌اند. همین امر سطوح متفاوتی از ادغام در جامعه میزبان را برای آنها رقم زده است. زبان متفاوت، قومیت متفاوت و مذهب متفاوت بر پیچیدگی جامعه شیعیان عمان افزوده است؛ به همین دلیل تنوع زبانی گسترده‌ای را بین آنها ایجاد کرده است، به گونه‌ای که زبان فارسی، بلوچی، عربی، لائوتی برای جامعه‌ای که در بهترین حالت بیش از ۱۸۰ هزار نفر جمعیت ندارد و در نوار ساحلی به طول چهارصد کیلومتر توزیع و پراکنده شده‌اند، در جایگاه مانعی مهم عمل کرده است؛ این مسئله به این معناست که هرگونه تلاشی برای تقریب و نزدیک کردن مناسبات شیعیان عمان با دیگر مذاهب در گام اول مستلزم بر تمرکز خود شیعیان برای حذف مانع و چالش‌های موجود بین آنهاست.

۲. منافع اقتصادی هم مانعی مهم پیش‌روی خانواده‌های دارای تمکن مالی عمل کرده است. آنها در سایه نظام کنونی عمان منافع عمده اقتصادی را کسب کرده‌اند و از هر فعالیتی که این منافع را با خطر روبرو کند، دوری می‌کنند. فعالیت تجاری که بتواند سود آنها را دوچندان کند، شاید رویکرد مفید در این باره باشد؛ دعوت از آنها برای سرمایه‌گذاری در ایران راهکاری اولیه در این باره است. این موضوع شاید ابزاری برای اثرگذاری بر آنها دانسته شود.

۳. محدودیت‌های قانونی و ساختاری و استفاده حکومت از آنها برای مقابله با تحرکات و فعالیت‌های جدید چالش دیگری در این باره است. همان‌طور که در حرکت «التیار» شاهد بودیم، حکومت عمان به سادگی توانست با ایجاد مجلس یا شورای شیوخ لائوتی، بر اعضای حرکت «التیار» برتری یابد. همین تجربه در دوره کنونی نیز قابلیت تکرار دارد. افزون بر آن هرگونه تلاش برای ساماندهی شیعیان عمان، ممکن است حساسیت حکومت عمان را برانگیزد که روابط حسنه‌ای با جمهوری اسلامی دارد.

۴. این پژوهش با بررسی بیشتر جوانب حضور شیعیان در جامعه عمان، اباضیه‌ها را که بیشتر جامعه عمان را تشکیل می‌دهند، نظام حکومتی عمان را در اختیار دارند و اشتراک‌های عمده‌ای با شیعیان نیز دارند، گزینه مناسب تقریب و دارای قابلیت‌های لازم برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در نظر می‌گیرد. یک ویژگی مهم آنها، ترس و نگرانی از تهاجم وهابیت در عمان و در مقابل، نگاه مثبت به تشیع به ویژه جمهوری اسلامی ایران است. ترس از عربستان و وهابیت موجب می‌شود به جمهوری اسلامی و تشیع در جایگاه نیروی موازنه‌بخش در مقابل وهابیت نگاه کنند.

۵. اباضیه از نظر فقهی نیز اشتراک‌هایی با فقه شیعی دارند که اعتقاد به امامت (منظور امامت اباضی که چیزی شبیه امامت زیدی است)، همچنین برخورداری از فقه پویا و تأکید بر تعقل و میانه‌روی یکی از این ویژگی‌هاست که مورد توجه فقه شیعی نیز هستند.

پی‌نوشت‌ها

۱. عدد سکان السلطنة فی مطلع ۲۰۲۰م، يتجاوز الـ ۴ ملايين و ۶۰۰ ألف، مرکز الاثير، الخميس: ۲۰ يناير ۲۰۲۰م:

www.atheer.com/archives/514273.

۲. منظور از داخل عمان یا عمق عمان یا مناطق داخلی عمان که در این گزارش و در مطالعات آماری مبنای برخی تقسیم‌های جغرافیایی و جمعیتی قرار می‌گیرد، مناطق مرکزی و دور از سواحل عمان هستند.

۳. مذهب اباضیه منسوب به شخصی به نام عبدالله بن اباض است که از خوارج بود. او در سال ۶۵۷ میلادی از این فرقه بزرگ اسلام جدا شد و فرقه نسبتاً معتدل اباضیه را شکل داد؛ این فرقه به مرور زمان گسترش یافت و اکنون در جایگاه تنها فرقه باقی مانده از خوارج در کشور عمان طرفداران بسیاری دارد (ابن اثیر، [بی تا]: ج ۱۲، ص ۷؛

Common, Richard K, "Barriers to Developing 'Leadership' In the Sultanate of Oman", International Journal of Leadership Studies, 2018).

4. The Oxford encyclopedia of the modern Islamic, Oxford University Press, 2001, Oman: [worldhttp://www.oxfordislamicstudies.com/Public/book_oemiw.html](http://www.oxfordislamicstudies.com/Public/book_oemiw.html).

۵. مصاحبه شفاهی نگارنده با سید عبدالعظیم موسوی، کارشناس ارشد مسائل عمان، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۶. نفوذ وهابیت اغلب در مناطق صحرایی، عقبه عمان و مشرف بر صحرای ربع الخالی است.

۷. مصاحبه شفاهی نگارنده با سید عبدالعظیم موسوی، کارشناس ارشد مسائل عمان، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۸. اباضیه اساس حکومت را بر مذهب می گذارند و حکم را از آن خداوند می دانند؛ چون مذهب اباضیه همانند دیگر مذاهب خوارج بر اساس "لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ" بنا نهاده شده است. امامت و حکومت یکی از مسائل اساسی و کلیدی در اعتقادات اباضیه به شمار می آید و نصب امام عادل به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر اکرم (ص) برای اقامه دین و حفظ اسلام را واجب می دانند.

۹. مصاحبه شفاهی نگارنده با سید عبدالعظیم موسوی، کارشناس ارشد مسائل عمان، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰.

10. Khan, Mubarak Zeb (2017-09-11), "Number of Balochi-speaking people in Balochistan falls", DAWN.COM, Retrieved 2021-02-24.

۱۱. مصاحبه شفاهی نگارنده با سید عبدالعظیم موسوی، کارشناس ارشد مسائل عمان، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۱۲. الشيخ الصفار: عمل دؤوب لا يعرف الكل، على الموقع:

www.qatifosis.com

13. United States Bureau of Democracy, Human Rights and Labor, Oman: International Religious Freedom Report 2014.

۱۴. مرسوم سلطانی رقم ۲۰۱۸/۷ بإصدار قانون الجزاء، الباب الثامن، الجرائم التي تمس الدين والأسرة والمجتمع، الفصل الأول، الجرائم التي تمس الدين، المادة (۲۶۹):

<https://qanoon.om/p/2018/rd2018007/>

۱۵. مرسوم سلطانی رقم ۲۰۱۸/۷ بإصدار قانون الجزاء، الفصل الثالث، المبادئ الاجتماعية، المادة (۱۵):

<https://qanoon.om/p/2018/rd2018007/>

16. United States Bureau of Democracy, Human Rights and Labor, Oman: International Religious Freedom Report 2014.

کتاب نامه

مرجونة، إبراهيم محمد علی و تيسير محمد محمد شادی [بی تا]؛ المؤثرات الحضارية المتبادلة بين العالم الإسلامي والصين؛ اسكندرية: دار التعليم الجامعی.

ابن اثیر، مجد الدين [بی تا]؛ الكامل: تاريخ بزرگ اسلام و ايران؛ ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خليلی؛ تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر [بی تا]؛ البداية و النهاية؛ بيروت: دار احياء التراث العربی.

بارونی، ابوالربيع سليمان (۱۳۵۷ ق)؛ مختصر تاريخ الاباضيه؛ تونس: [بی نا].

جعفریان، رسول (۱۳۸۹ ش)؛ اطلس شیعه؛ تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

چمنکار، محمد جعفر (۱۳۸۳ ش)؛ بحران ظفار و رژیم پهلوی؛ تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

الخابوری، جواد (۲۰۰۱ م)؛ الأدوار العمانية فی القارة الهندية: دور بنو سامة بن لؤی اللواتية؛ بیروت: دار النبلاء.

سرافرازی، عباس (۱۳۹۰ ش)؛ «فرقه مذهبی ذکرى ها در بلوچستان»؛ پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال یکم، ش ۳.

الطایى، نجاح (۱۳۸۴ ش)؛ الوحدة الشيعية و الغزو الوهابی؛ [بى جا]: دار الهدى الاحياء التراث الاسلامی.

الطائی، هاشم (۲۰۱۰ م)؛ التيار الاسلامی فی الخليج العربی: دراسة تاريخية ۱۹۴۵ - ۱۹۹۱ م؛ بیروت: دار الانتشار العربی.

طبری، محمد بن جریر [بى تا]؛ تاریخ طبری؛ بیروت: مؤسسة اعلمی للمطبوعات.
عرب، محمد (۱۳۷۷ ش)؛ آشنایی با مذهب اباضی: پیوست ها: تاریخ شیعیان عمان: روابط ایران و عمان؛ تهران: علمی و فرهنگی.

عرب احمدی، امیر بهرام (۱۳۹۶ ش)؛ «رد پای هویت بلوچ در زنگبار»؛ نشریه پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۱، ش ۲۰.

فارسی، عبدالله بن صالح [بى تا]؛ البوسعیدیون حکام زنجبار؛ الطبعة الثانية، سلطنة عمان: وزارة التراث القومي و الثقافة.

مظفر، محمد حسین (۱۴۰۸ ق)؛ تاریخ الشيعة؛ بیروت: دار الزهراء.
الموسوی، السید شرف (۱۹۹۵ م)؛ «تاریخ الشيعة فی عُمان»؛ مجلة الموسم، العددان (۲۳-۲۴).
النخلى العمانی، حمید بن رزیک بن بخیت (۲۰۱۶ م)؛ الفتح المبين فی سيرة السادة البوسعیدیين؛ الطبعة السادسة، سلطنة عمان: وزارة التراث و الثقافة.

الهاشمی، سعید (۲۰۱۳ م)؛ «الحركات الإسلامية فی عُمان: قراءة فی معالم طریق غامض»؛ تاریخ النشر: ۲۰۱۳/۰۵/۲۶ م، موقع الفلق.

یگانه، عباس (۱۳۷۴ ش)؛ عمان؛ تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

- Common, Richard K (2018), “Barriers to Developing ‘Leadership’ In the Sultanate of Oman”, *International Journal of Leadership Studies*.
- Khan, Mubarak Zeb, “Number of Balochi-speaking people in Balochistan falls”, DAWN.COM, 2017-09-11, Retrieved 2021-02-24.
- Medieval Science, Technology, and Medicine: An Encyclopedia*, “Ibn Majid”, Rutledge. 2005.
- Smith, Percy, *The Ibadhites*, MW, 1922.
- The Oxford encyclopedia of the modern Islamic*, Oxford University Press, 2001.

References

- Arab Ahmadi, Amir Bahram. 1396 Sh. “The Baloch Identity Trace in Zanzibar.” *Journal of historical researches of Iran and Islam* 11, no. 20: 109-28.
- Arab, Mohammad. 1377 Sh. *Āshnāyī bā maḡhab-i Ibāḍī: payvast-hā: tārīkh-i Shī‘ayān-i Oman: ravābiḡ-i Iran va Oman*. Tehran: Elmi va Farhangī.
- Bārūnī, Abū al-Rabī‘ Sulaymān al-. 1357 AH. *Mukhtaṣar tārīkh al-Ibāḍiyya*. Tunisia: n.p.
- Chamankar, Mohammad Jafar. 1383 Sh. *Buḡrān-i Dhofar va rizhūm-i Pahlavi*. Tehran: Institute for Iranian Contemporary Historical Studies.
- Common, Richard K. 2011. “Barriers to developing ‘leadership’ in the Sultanate of Oman.” *International Journal of Leadership Studies* 6, no. 2: 215-28.
- Esposito, John L. 2001. *The Oxford encyclopedia of the modern Islamic*. Oxford: Oxford University Press.
- Fārsī, ‘Abd Allāh b. Šālīḡ. n.d. *Al-Būsa ‘īdiyyūn ḡukkām Zanjbār*. Oman: Ministry of National Heritage and Culture.

Hāshimī, Sa'īd al-. 2013. "Al-Ḥarakāt al-Islāmiyya fī Oman: qarā'a fī ma'ālim ṭarīq ghāmiḍ."

May 26, 2013. Al-Falaq Website.

Ibn Athīr, Majd al-Dīn. n.d. *Al-Kāmil: tārikh-i buzurg-i Islām va Iran*. Translated by Abolghasem Halat and Abbas Khalili. Tehran: Elmi Publishing Institute.

Ibn Kathīr, Ismā'īl b. 'Umar. n.d. *Al-Bidāya wa-l-nihāya*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.

"Ibn Majīd." 2005. *Medieval Science, Technology, and Medicine: An Encyclopedia*. London: Rutledge.

Jafarian, Rasul. 1389 Sh. *Atlas-i Shī'ih*. Tehran: National Geographical Organization of the Armed Forces of Iran.

Khābūrī, Jawād al-. 2001. *Al-Adwār al-'Ummāniyya fī al-qārrat al-Hindiyya: dawr Banū Sāma ibn Lu'ī al-Lawātiyya*. Beirut: Dār al-Nubalā'.

Khan, Mubarak Zeb. 2017. "Number of Balochi-speaking people in Balochistan falls." DAWN.COM, 2017-09-11, Retrieved 2021-02-24.

Marjūna, Ibrāhīm Muḥammad 'Alī and Taysīr Muḥammad Muḥammad Shādī. n.d. *Al-Mu'aththirāt al-ḥiḍāriyyat al-mutabādila bayn al-'ālam al-Islāmī wa-l-Ṣīn*. Alexandria, Egypt: Dār al-Ta'ālīm al-Jāmi'ī.

Mūsawī, al-Sayyid Sharaf al-. 1995. "Tārikh al-Shī'a fī Oman." *Al-mawsim*, no. 23-24.

Muẓaffār, Muḥammad Ḥusayn. 1408 AH. *Tārikh al-Shī'a*. Beirut: Dār al-Zahrā'.

Nakhilī al-'Ummānī, Ḥamīd b. Rizzīq b. Bukhayt al-. 2016. *Al-Fath al-mubīn fī sīrat al-sādat al-Būsa 'idīyyīn*. Oman: Ministry of Heritage and Culture.

Sarafrazi, Abbas. 1390 Sh. "Firqih-yi mazhabī-yi Zikrī-hā dar Baluchestan." *Pazhūhish-nāmih-yi tārikh-i Islām* 1, no. 3: 49-74.

Smith, Percy. 1922. "The Ibadhites (El-Ibadhiya or el-Abadhiya.)." *The Muslim World* 12, no. 3: 276-88.

Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr al-. n.d. *Tārīkh-i Ṭabarī*. Beirut: Mu'assasa al-A'lamī li-l-Maṭbū'āt.

Ṭā'ī, Hāshim al-. 2010. *Al-Tiyār al-Islāmī fī al-Khalīj al-'Arabī: dirāsa tārikhiyya 1945-1991*.

Beirut: Dār al-Intishār al-'Arabī.

Ṭayī, Najāḥ al-. 1384 Sh. *Al-Waḥdat al-Shī'iyya wa-l-ghazw al-Wahhābī*. N.p.: Dār al-Hudā

li-lḥyā' al-Turāth al-Islāmī.

Yeganeh, Abbas. 1374 Sh. *Oman*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs.